



مردی نابینا میگذشتند، شاگردان از او پرسیدند که آیا رنج کوری آن مرد در اثر گناه چه کسی است؟ وی یا والدینش؟ عیسی پاسخ داد: که این مرد، نابینا از مادر متولد شد زیرا که خدا می‌خواهد قدرت شفابخش خود را اکنون از طریق او نشان دهد. (یوحنا فصل 9 آیات 1 تا 7). حنania و سفیرا به کام مرگ کشیده شدند پس از آنکه در اجتماع عمومی کلیسا زبان به دروغگویی گشودند (اعمال رسولان فصل 5 آیات 1 تا 11).

درد و رنج در برابر ابدیت

درد و رنج نباید بدون ابدیت در نظر گرفته شوند! پولس رسول علی رقم «ضعف» بیماری، شکنجه، ضرب و شتم، زندان و سنگسار، کشتی شکستگی، خستگی و گرسنگی و تشنگی و سرما دلایلی برای ستایش و پرستش داشت (دوم قرن‌تیاں فصل 11 آیات 16 تا 33). نامه‌های او نشان دهنده این حقیقت محض است که زندگی ابدی تنها از طریق قیام عیسی مسیح امکان پذیر می‌باشد و با توجه به این حقیقت دیگر درد و رنج معنی نخواهد داشت: «زیرا یقین می‌دانم که دردهای زمان حاضر نسبت به آن جلالی که در ما ظاهر خواهد شد هیچ است. (رومیان فصل 8 آیه 18). دوستی که در اثر بیماری درد و عذاب بسیاری را متحمل بود برای من نوشت: «تنها تسلی من ابدیت است، به همین دلیل می‌توانم این عذاب را تحمل کنم.»

خداوند در برابر رنج و مرگ چه می‌کند؟

مردم خداوند را متهم می‌کنند که پس از نزول عذاب عقب نشسته و نظاره می‌کند! ولی این تفکر چشم پوشی از یک حقیقت حیاتی است که: در واقع خداوند پیشاپیش همه آنچه را که ما برای یک زندگی عالی نیاز و آرزو داشته ایم انجام داده است. عیسی یگانه پسر وی در مقام یک انسان، بیرحمانه ترین شکنجه‌ها را به خاطر گناه آدم تحمل کرد و خون او ناعادلانه و وحشتناک در جهان ما ریخته شد. زیرا که گناه آدم جهانیان را درموقعیت نافرجامی قرار داده بود.

جسم خواهد مرد ولی روح ما تا به ابد باقی خواهد ماند، زیرا که خداوند در انسان روح حیات دمید. انسان درون ما تا به ابد زنده خواهد ماند و اگر خدا راه حلی برای گناهان ما ایجاد نمیکرد همه ما در ابدیت و جدا از خدا مانده و تا ابد در رنج و عذاب بسر می‌بردیم.

این برنامه خداوند بوده است که پسر خود عیسی را به سوی ما فرستاد، او بار همه گناهان ما را بر دوش گرفت و تا بالای صلیب در جلجتا حمل کرد تا بتوانیم بری از خطا و گناه به حضورش بازگردیم.

تنها کسی میتواندست گناه، این شکاف عمیق بین انسان و خدا را پر کند و زندگی جاودانه را تضمین کند که خود گناه نکرده باشد و به کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند، یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد (یوحنا فصل 1 آیه 12 ؛ افسسیان فصل 2 آیات 8 و 9). همه کسانی که ایمان دارند که عیسی مسیح از مردگان برخاسته و او را به عنوان ناجی عالم و خداوند بشناسند از مرگ ابدی نجات یافته و به عنوان فرزند خدا پذیرفته می‌شوند و همگی در نزد پدر ابدیت را بسر خواهند برد (اول قرن‌تیاں فصل 15 آیات 1 تا 4).

همچنین، جایی برای جدایی ابدی از خداوند وجود دارد. کتاب مقدس به ما هشدار می‌دهد که همه کسانی که به عیسی



مسیح ایمان ندارند طعم «مرگ دوم» را خواهند چشید. و این همان جهنم ابدی است، یعنی جدایی مطلق از خدا و عذاب وحشتناک... (مکاشفه فصل 8 آیه 21). در متی فصل 25 آیه 46 عیسی در یک آیه از هر دو دسته سخن می‌گوید: «این اشخاص به کیفر ابدی می‌رسند، ولی نیکوکاران به زندگی جاوید خواهند پیوست.»

هیچ تناقضی بین این دو عبارت وجود ندارد «خداوند قادر مطلق و حیات بخش است» و «جهان پر از رنج و شر».

خداوند باید برای از میان برداشتن دردها و رنجهای ما چه می‌کرد؟ او منشا اصلی و راه نجات از عذابها را برای ما آشکار ساخت. قطعاً همه ما به جهنم خواهیم رفت و مرگ ابدی در انتظار ما خواهد بود اگر دنیا را بدون پاکی از گناه ترک کنیم، ولی خواست خداوند این نیست! اراده او این است:

آدمیان را در یک دوره کوتاه بر روی زمین در موقعیت درد و مرگ قرار خواهیم داد، اما مژده نجات بخش انجیل را به آنها خواهیم رساند. از اینطریق به آنها این امکان را خواهیم بخشید تا نجات را بیابند و به آسمان نزد من دعوت شوند.

در اینجا دو راه وجود دارد که انسان باید با اراده آزاد خود تصمیم بگیرد: «کسانی که به او ایمان بیاورند، هیچ نوع محکومیت و هلاکتی در انتظارشان نیست؛ ولی کسانی که به او

ایمان نیاورند، از هم اکنون محکوم‌اند، چون به یگانه فرزند خدا ایمان نیاورده‌اند.» (یوحنا فصل 3 آیه 18).

نتیجه گیری برای ما

در پایان همه ملاحظات بالا همانگونه که در ابتدا به 4 احتمال منطقی در رابطه با بازگشت به سوی خدا اشاره داشتیم، اظهار میداریم که نظریه ی شماره 2 پاسخ صحیح به سوالات است: خداوند می‌تواند درد و رنجهای ما را از بین ببرد ولی خواست و اراده او چنین نیست چرا که آن را وسیله نجات ابدی ما قرار داده است.

از عیسی مسیح بخواهید تا تمام گناهان شما را ببخشد، او را خالق و نجات دهنده خود بدانید و راهش را دنبال کنید، آنگاه قادر خواهید بود زندگی جاویدان بدون درد و رنج داشته باشید.

پروفسور دکتر ورنر گیت



Title of the original edition: Warum gibt es so viel Leid?
www.wernergitt.de
سایت اینترنتی نویسنده:
ترجمه از زبان آلمانی به فارسی: گیتا و نادر زاده

Bruderhand-Medien
Am Hofe 2, 29342 Wienhausen, Germany
E-Mail: info@bruderhand.de
Homepage: bruderhand.de

Nr. 132-36: Persisch/Persian, 5th edition 2022

ورنر گیت



چرا رنج و مرگ در این دنیا وجود دارد؟



چرا رنج و مرگ در این دنیا وجود دارد؟

هیچ سوالی تا کنون مغز انسان را بیش از این درگیر نکرده است! انسان به حدی درگیر و مشغول است که جز در مواقع خاص و اضطراری بسوی خداوند نمی آید! آدمیان در این باورند که اگر خداوند قادر مطلق، و محبت کننده واقعی است، پس هیچ رنج و درد و مرگی نباید در دنیا وجود داشته باشد! اکنون بر آنیم تا این عقیده را به چالش بکشیم.

چهار احتمال منطقی

برای جواب این سوال چهار پاسخ منطقی وجود دارد که چرا خداوند اجازه می دهد مرگ و رنج در دنیا وجود داشته باشد.

- 1 او می خواهد درد و رنج را از ما دور کند ولی نمی تواند!
- 2 او می تواند اما نمی خواهد.
- 3 او نه می خواهد و نه می تواند.
- 4 یا اینکه او توانا است و می خواهد.



اما کدام پاسخ صحیح است؟ هدف ما دقیقا پاسخ روشن به سوالات بالا است.

مرگ و رنج همه جا هستند

همانطور که می دانید مرگ و رنج همراهان ثابت و همیشگی دنیای ما هستند. مانند زلزله، گردباد، سیل، بلایای دریایی، سقوط هواپیما و یا حوادثی که انسان ناخواسته در آن دخیل بوده است. همچنین فجایی که انسان بطور عمد در انجام آنها دخیل هستند، مانند حادثه ی تروریستی 11 سپتامبر در مرکز تجارت جهانی نیویورک که به مرگ بیش از 3 هزار انسان منجر شد. و یا بمب گذاری های انتحاری در گوشه و کنار دنیا، قتل عام 13 نوامبر 2015 پاریس که 130 نفر به طرز وحشیانه ای کشته شدند و بسیاری عوامل دیگر که باعث درد و مرگ ما و یا نزدیکان ما می شوند به مانند از دست دادن عزیزان، بیماری و یا تصادف رانندگی. برخی نوزادان ناقص به دنیا می آیند و گاهی بیش از چند روز زندگی نمی کنند و وقتی یافتن راه حل برای مشکلات بزرگ خارج از حد توان انسان باشد آنگاه شکایت خود را به حضور خداوند می برد. اکنون دو دیدگاه متفاوت برای پاسخگویی به سوالات پیش رو داریم:

دو دیدگاه مخالف

1 نظریه تکاملی: بر اساس این تفسیر، زمین ما میلیون ها سال با همراهان و متحدان همیشگی اش (درد و رنج) عمر کرده اما زندگی بین مرگ و حیات جدید تعریف شده است و فقط از طریق مرگ زندگی جدید تحقق می یابد. میکروبیولوژیست معروف آلمانی راینهارد کاپلان در این باره می نویسد: پیری، رنج و مرگ یک واقعه دردناک از نظر فردی است به ویژه برای انسان. اما بهای رسیدن به تکامل است.

2 اعتقاد به خالق: کتاب مقدس خداوند را خلق کننده ای می نامد که همه چیز را بسیار عالی بسان یک حادثه آفرید، همه را دید و خوشنود گردید. (کتاب مقدس، پیدایش باب 1 آیه 31)



این بررسی به کل خلقت و همچنین اولین انسانهای مرد و زن یعنی آدم و حوا که با نا اطاعتی از فرمان خدا که قبلا به ایشان هشدار داده شده بود ، که در صورت تخطی و گناه به درد و رنج و مرگ مجازات خواهند شد اشاره دارد. «زیرا که مزد گناه موت است» (رومیان باب 6 آیه 23). در قانون حیات بشر گناه و مرگ به طور جدایی ناپذیری مرتبط هستند. گناه مرگ را همانند یک ویروس در جهان بسیار خوبی که داشتیم به همراه آورد، به طوری که تمام خلقت به فروپاشی و ناپایداری محکوم شد.

کدام یک از این دو دیدگاه قابل پذیرش است. یکی از این دو باید از نظر منطقی اشتباه باشد. در سلولهای تمامی موجودات زنده حجم غیر قابل تصویری از اطلاعات قابل مشاهده است. اطلاعاتی که برای تشکیل تمام ارگانها و کنترل تمام فرآیندهای زندگی الزامیست. اما اطلاعات هرگز نمیتوانند به تنهایی در ماده یافت شوند. تنها استفاده و استناد به قوانین طبیعی این اطلاعات، نظریه تکامل را فرو می پاشد. (برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به «رد تکامل با قوانین طبیعی» درسایت www.naturgesetz.de و www.wernergitt.de) بنابراین نظریه شماره دو را مد نظر قرار می دهیم – آموزه های کتابمقدس.

در اینصورت دلایل وجود درد و مرگ و مرض را دریافتیم: این گناه انسان اول، آدم میباشد که باعث ورود گناه به این جهان شد. هر آموزه دیگری با اهداف جهان بینی و روشنگری که بر خلاف آموزه

کتابمقدس در مورد ورود گناه به جهان بر اثر نا اطاعتی انسان باشد به شکست منجر می شود و پایه و اساس درستی ندارند.

درخور توجه است که بگوییم: انسان خاطی علت ایجاد جهانی اینگونه مملو از درد و مرگ و مرض میباشد.

فعل خداوند در حوادث غیر قابل پیش بینی

متوجه شدیم که درد و مرگ ثمرات گناه میباشند اما چطور می توان این قانون را در رابطه با بلایای طبیعی که ناشی از قصور انسان نیست تفسیر کرد؟ برای مثال طغیان بی صابقه رود الهه و مولده در ماه آگوست 2002 را بیاد می آورم. در کتاب ایوب فصل 12 آیه 15 میخوانیم: « اگر او آنها را باز دارد خشک می شوند و اگر آنها را رها سازد زمین را به تمامی می پوشانند.»

و یا در عاموس فصل 3 آیه 6 میخوانیم: « آیا بلا بر شهر وارد بیاید و خداوند آن را نفرموده باشد؟» همچنین در اشعیا فصل 45 آیات 5 و 7 میخوانیم:« من یهوه هستم و دیگری نیست و غیر از من خدایی نی... پدید آورنده نور و آفریننده ظلمت. صانع سلامتی و آفریننده بدی. من یهوه صانع همه این چیزها هستم.» در این آیات به وضوح میبینیم که خداوند در کمال شگفتی و تعجب خود را عامل و پدید آورنده بدیها معرفی می کند. در یک چنین بیانه ای اصولا ترس و وحشت از خداوند وجود ما را فرا می گیرد که چگونه خالق مهربان اینچنین خود را عامل بدبختی ما معرفی می کند! اما شایسته نیست که دیدگاه محدود و فکر حقیرمان اینگونه خداوند را قضاوت کند. اما فراموش نکنیم که در زمان نوح همان خدا مسبب غرق میلیونها انسان بود. همان خدا عمالیقیان را مورد قضاوت قرار داد و ایشان را از زیر تیغ شمشیر گذرانید (اول ساموئیل فصل 15 آیات 2 و 3). همان خدا همچنین بر نفرین ابدی بر ستمکاران سخن می گوید (مکاشفه فصل 21 آیه 8). با این وجود این خدا خود را خدای محبت معرفی نموده است (اول یوحنا فصل 16 آیه 4). و این همان خدایست که یگانه فرزند خود، عیسی مسیح را

به جهان فرستاد تا ما را از طریق او حیات جاودان بخشد» (اول یوحنا فصل 4 آیه 9).

درد و رنج فردی

کتابمقدس تعلیم میدهد که درد و رنج به طور کلی، از جمله گناه، بخشی از تصویر این مودل در جهان است. با این حال درد و رنج فردی همیشه مرتبط با گناهان نیست. در نتیجه باید در رفتار و گفتار خود با بیماران یا نیازمندان مراقب باشیم که شرایطشان را به گناه ایشان ربط ندهیم.

خداوند اجاه داد تا درد و رنج گریبان ایوب، که مردی عادل بود را بگیرد . ایوب، که مردی عادل در زمان خود بر روی زمین بود متحمل درد و رنج بی صابقه ای شد: وی تمام فرزندان، خادمین و اموال و دارایی های خود را در یک روز از دست داد، علاوه بر آن به بیماری دردناکی مبتلا شد. خداوند هرگزعلت وقوع این مصائب را به ایوب توضیح نداد، اما اجازه داد که هر انسان جویایی با خواندن کتاب ایوب (قسمتی از کتابمقدس) شاهد صحنه عجیبی باشد چه در پشت پرده، در آسمان بوقوع پیوست که برای ایوب غیر قابل پیش بینی بود. خدا بنا به دلایل حکیمانه اش اجازه داد برایوب رنج نازل شود.

کمتر اتفاق می افتد که خدا دلیل وقوع درد و رنج را در زندگی افراد مکشوف سازد. زمانیکه عیسی به همراه شاگردانش از کنار

